

اشاره

«ارتباط خانواده با فرزندان» عنوان همایشی بود که به همت پژوهشکده‌ی خانواده و مدرسه‌ی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش برگزار شد. در این همایش، موضوعاتی از قبیل خانواده و پژوهش، نقش سواد رسانه‌ای، مشکلات ارتباطی فرزندان و خانواده، و آموزش مهارت‌های فراشناختی و خودتنظیمی بررسی شد. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، دکتر علیرضا عصاره، دکتر سمیه فریدونی، دکتر مریم جلالی و دکتر فرهاد کریمی از جمله سخنرانان این همایش بودند که مشروح آن را می‌خوانید.

ضرورت‌ها

دکتر قدسی احقر، رئیس پژوهشکده‌ی خانواده و مدرسه، درباره‌ی ضرورت برگزاری این همایش گفت: «در دو دهه‌ی گذشته شرایط اجتماعی و انسانی به شدت دگرگون شده است. این دگرگونی تغییرات بنیادینی را که در سطوح خانواده، هم‌سالان و دوستان از یک سو و روش‌های تعلیم و تربیت و سبک‌های زندگی از سوی دیگر ایجاد کرده است. دگرگونی‌های پی‌درپی و تغییر در باورها، اندیشه و فرهنگ، هر یک به گونه‌ای توانایی‌های سازشی را تحت تأثیر قرار داده است. نوجوانان و دانش‌آموزان در مواجهه با این تغییرات با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند که ابعاد آن برای بسیاری از خانواده‌ها و مسئولان امر ناشناخته است.»

وی افزود: «شتاب تحولات اجتماعی، فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید، و ظهور رسانه‌های جمعی، با سرعت وصف‌ناپذیری الگوی جهانی را جانشین مناسبات ملی و بومی می‌کند. بر همین اساس، پژوهشکده‌ی خانواده و مدرسه، گروه راهنمایی و مشاوره و روان‌شناسی تربیتی، در صدد برگزاری این همایش برآمد تا این تغییرات از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان بررسی شوند.»

خانه به مثابه عبادتگاه

در ادامه، حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به تعریف خانواده از خاستگاه دینی پرداخت و گفت: «خانواده در تفکر دینی قدسی‌ترین، اساسی‌ترین و پایه‌ای‌ترین تشکل انسانی است که مبتنی بر نیاز فطری انسان شکل می‌گیرد نه نیاز غریزی و اجتماعی. نیاز فطری انسان را با حیوان متمایز می‌کند. از سوی دیگر، نیاز فطری همیشگی و مبتنی بر اصالت انسان است. در حالی که سایر نیازها می‌توانند مرفوع و تعطیل شوند، نیاز فطری از بین نمی‌رود؛ شاید تحریف، تضعیف و به مدت کوتاهی تعطیل شود، اما از بین نمی‌رود.»

وی افزود: «وجود انسان در این عالم همراه با زوج به شکل خانوادگی بوده است. در قرآن کریم، پس از اشاره به خلقت آدم، بلافاصله زوجیت او را مطرح می‌کند. حتی وقتی آدم در بهشت است، خطاب به او آمده است «یا آدم اسکن انت و زوجک». یعنی بهشت الهی هم بدون زوج شایستگی زیست انسانی ندارد. به عبارت دیگر، انسان به لحاظ فطری نیازمند آرامش، انس و سکنا گزیدن همراه هم‌نوع است که مقدس‌ترین شکل آن خانواده است.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با بیان اینکه نهاد خانواده با دو عنصر مودت و رحمت (ابراز عشق و ابراز مهر) بنیان نهاده شده است، به تعبیر قرآنی خانواده پرداخت. وی گفت: «اسرت، بیت، اهل یا آل تعبیر قرآنی خانواده‌اند که هر یک بار معنایی خاصی دارند. اسرت به معنی به هم پیوستن است. یعنی تا پیوستگی نباشد، خانواده شکل نمی‌گیرد. اهل یا آل هم بدان معناست که اعضای خانواده نسبت به هم آرامش و وجود نعمتی دارند. بیت هم به این مضمون اشاره دارد که جمع شدن اعضای خانواده موقتی نیست، بلکه هم‌زیستی آن‌ها همیشگی است. از سوی دیگر، قرآن کریم گسترش زمین را از بیت‌الله الحرام می‌داند. بنابراین، بیت به معنای خانواده هم از زن و شوهر شکل می‌گیرد. اما بیت بودن به تنهایی کفایت نمی‌کند. در واقع بیت شأن‌هایی دارد که باید رعایت شود. یکی از

در همایش «ارتباط خانواده با فرزندان» مطرح شد:

خانه و خانواده به مثابه کعبه و قبله

سمانه آزاد



آن‌ها قبله بودن است. قبله یعنی جایی که به آن رو می‌کنیم. یعنی همه باید به خانه و خانواده رو کنیم. خانه باید مانند کعبه باشد تا خانواده‌ی متعالی داشته باشیم.»

ضرورت حاکمیت نگاه مثبت در خانواده

حجت‌الاسلام محمدیان در ادامه به جایگاه افراد خانواده اشاره کرد. وی با بیان اینکه مهم‌ترین جایگاه متعلق به مادر خانواده است: «در خانواده‌ی متعادل رو به تعالی، هر یک از اعضا جایگاه خاص خود را دارد که مهم‌ترین عنصر و جایگاه مادر است. طبق بیان قرآنی و اسلامی، حلقه‌ی اتصال همه‌ی اعضای خانواده و نقطه‌ی مرکزی مادر است. فلذا در ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر، نقش مادر برجسته است. حدیث‌های بسیاری درباره‌ی کرامت زن داریم. از جمله آنکه مردی که کریم است، به همسر خود احترام می‌گذارد یا اگر می‌خواهید فرزندان شما کرامت را از شما به ارث ببرند، به مادران آن‌ها احترام بگذارید.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ادامه به توصیه‌های اسلام درباره‌ی ارتباط خانواده و فرزندان اشاره کرد. وی گفت: «یکی از مشکلات خانواده با فرزندان این است که ما کلکسیون‌ی از «نه» داریم. نبوش، نخور، نبین، نگو و ... اما جایگزینی برای آن‌ها ارائه نمی‌دهیم. در مدارس هم همین‌طور است. در حالی که در اسلام قبل از هر «لا» یک «افعل» هست، اما در خانواده‌های ما لا تفعل‌ها بیشترند که باید اصلاح شوند.»

وی به ضرورت نگاه مثبت به اعضای خانواده اشاره کرد و افزود: «نگاه اسلامی مثبت‌گرایانه است. بنابراین اعضای خانواده باید مثبت‌نگر باشند. والدین هم باید نگاه مثبتی به فرزند خود داشته باشند.»

سهم سنگین فراشناخت

در ادامه‌ی همایش، دکتر فرهاد کریمی به ارائه‌ی پژوهشی با

عنوان «نقش خانواده و مدرسه در آموزش مهارت‌های فراشناختی و خودتنظیمی دانش‌آموزان» پرداخت. وی در تعریف فراشناخت گفت: «فراشناخت اصطلاحی است که برخی روان‌شناسان تحولی و شناختی آن را معرفی کرده‌اند. فراشناخت هر نوع دانش یا فعالیت شناختی است که موضوع آن شناخت باشد یا شناخت را تنظیم کند. در واقع، فراشناخت هم به شناخت، هم به کنش و هم به فعالیت اشاره دارد.»

کریمی در ادامه به جایگاه فراشناخت در تعلیم و تربیت اشاره کرد و افزود: «اگر هوش و فراشناخت را دو مؤلفه‌ی مهم و مؤثر در پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی در نظر بگیریم، سهم فراشناخت به مراتب بیشتر از هوش است. علاوه بر این، فراشناخت مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی یادگیری و پیشرفت آموزشی است. حتی امروزه این مقوله به یکی از مهم‌ترین ابزارهای مداخله در امور عاطفی مثل اضطراب، افسردگی و درمان بیماری‌های روانی تبدیل شده است. فراشناخت و مؤلفه‌های مرتبط با آن، مثل دانش فراشناختی، تجربه، باورها و راهکارهای تنظیم شناخت در یادگیری نقش مهمی ایفا می‌کنند. فراشناخت باعث می‌شود دانش‌آموزان قادر باشند با تکالیف گوناگون و زمینه‌های حل مسئله ارتباط برقرار کنند.»

وی با اشاره به نتایج پژوهش‌های تأیید شده درباره‌ی تأثیر فراشناخت گفت: «ما در هزاره‌ی سوم و با حجم اطلاعات گسترده و شهروندان جهانی شده، از دانش‌آموزانمان انتظار داریم به‌عنوان شهروندانی متعهد، مقید، آگاه، فعال و خودتنظیم عمل کنند. این مهم مستلزم آن است که این شایستگی‌ها را در برنامه‌های درسی، کتاب‌ها و فرایند تربیت معلمان لحاظ کنیم.»

کریمی با بیان اینکه تقویت فراشناخت باعث تقویت قدرت حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شود، ادامه داد: «دانش‌آموزانی که فراشناخت قوی دارند، در یادگیری و حل مسئله نیز قدرت بیشتری دارند. ما نمی‌توانیم فراشناخت را جزئی از فرایند عادی رشد شناختی به حساب بیاوریم، چرا که برخی افراد با وجود داشتن مدارج علمی



بالا مهارت‌های فراشناختی ضعیفی دارند. بنابراین، طبیعی است که ما به عنوان مجری آموزش و پرورش در این زمینه مداخله کنیم. نقش معلم در این زمینه بسیار حائز اهمیت است که باید به آن توجه شود. زمانی که دانش‌آموزان بتوانند راهبردهای عمومی مربوط به فراشناخت را در مورد تکالیف به کار ببرند، قاعدتاً می‌توانند از آن‌ها در حل مسائل استفاده کنند. نقش فرهنگ هم در این زمینه مهم است. چرا که نظام آموزشی برآمده از فرهنگ است.»

فرصت طلایی در اختیار خانواده

دکتر **علیرضا عصاره**، سرپرست پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، از دیگر سخنرانان همایش ارتباط خانواده با فرزندان بود. وی با بیان اینکه خانواده مدرسه‌ی نخست است گفت: «بلوم معتقد است، ۵۵ درصد شخصیت کودک از تولد تا پنج سالگی شکل می‌گیرد؛ یعنی زمانی که عمدتاً در اختیار خانواده است. از پنج تا هشت سالگی این رقم به ۶۵ درصد می‌رسد، یعنی ۱۰ درصد افزایش می‌یابد. از هشت تا ۲۵ سالگی که معمولاً همه‌ی شخصیت انسان‌ها شکل می‌گیرد، افراد در اختیار مدرسه و دانشگاه هستند. همین مطلب درباره‌ی خلاقیت هم صدق می‌کند. به طوری که کودکان تا ۹۰ درصد از ظرفیت خلاقیت خود را تا پنج سالگی به دست می‌آورند. این مثال‌ها نشان می‌دهد که خانواده تا چه حد اثرگذار است.»

دانش‌آموزان، نقطه‌ی آغاز توسعه‌ی متوازن

«مشکلات ارتباطی والدین و دانش‌آموزان و راهکارهای آن» عنوان سخنرانی دکتر **سمیه فریدونی** در این همایش بود. وی گفت: «مشکلات ارتباطی والدین و دانش‌آموزان و راهکارهای آن برگرفته از یک پژوهش است که هنوز هم در حال انجام است. پژوهش با این سؤال اصلی شروع شد که خانواده‌ی مطلوب از دیدگاه دانش‌آموزان چیست؟ این پژوهش فعلاً به صورت پایلوت در سه استان انجام شده و قرار است در نهایت هشت استان بررسی شوند. سعی داشتیم در انجام این پژوهش تنوع را رعایت کنیم و از مدارس عادی تا تیزهوشان، مدارس مناطق کم‌برخوردار و برخوردار را پوشش دهیم.» وی در تشریح برخی نتایج این پژوهش افزود: «خانواده مفهومی است که به دلیل المان‌های وسیع و گسترده، تنوع معانی زیادی دارد. در صحبت‌های دانش‌آموزان، در تعریفشان از خانواده‌ی مطلوب، نقاط اختلاف و اشتراکاتی وجود داشت. یکی از مهم‌ترین مشکلات آن‌ها و خانواده، مشکلات ارتباطی بود. آن‌ها دلیل این مشکلات ارتباطی را باورهای کلیشه‌ای والدین می‌دانستند. مثلاً حتماً شما هم شنیده‌اید که نوجوانان به ارتباط با هم‌سالان و دوستانشان علاقه‌ی بیشتری دارند تا ارتباط با خانواده. اما آنچه ما از دانش‌آموزان شنیدیم، متفاوت است و انتخاب نخست آن‌ها برقراری ارتباط با والدین است. اما در واقعیت، آن‌ها با دوستان خود ارتباط بیشتری دارند. پس در این میان چه اتفاقی می‌افتد؟ دانش‌آموزان معتقدند، والدین نمی‌خواهند تغییر دنیا را بپذیرند. نمی‌پذیرند که ما متعلق به دنیای دیگری هستیم و

نمی‌توانند انتظار داشته باشند ما هم مانند آن‌ها زندگی کنیم. شاید بتوان گفت، دانش‌آموز یا نوجوان موجودی صاحب شعور و عزت دیده نمی‌شود. یعنی در نظام آموزشی ما آن قدر که بر احترام دانش‌آموز به معلم تأکید می‌شود، تأکیدی به همان اندازه برای احترام به دانش‌آموز وجود ندارد.»

تربیت امری آموختنی است

دکتر فریدونی با بیان اینکه نظام آموزشی باید والدین را با تغییرات جهان، از جمله فضای مجازی، آشنا کند گفت: «والدین ما از خود سؤال نمی‌کنند چرا فرزندم به جای ارتباط با من مدام در فضای مجازی است؟ متأسفانه فرهنگ اجتماعی ما به سویی می‌رود که نگاه ما در این زمینه‌ها به بیرون است. یعنی در مشکلاتی که برایمان به وجود می‌آید، فقط به دنبال عوامل معیوب بیرونی می‌گردیم و این دقیقاً کاری است که فرزندان ما هم انجام می‌دهند. وقتی والدینی نگران استفاده‌ی زیاد فرزندش از فضای مجازی می‌شود، به جای پاسخ دادن به چرایی این موضوع، فرزندش را محدود و محروم می‌کند. اما نوجوانان راه‌های زیادی برای گریز از این محدودیت‌ها دارند. با این کارها تقلب کردن، دروغ گفتن و خیانت کردن را در فرزندانشان نهادینه می‌کنیم.»

به گفته‌ی فریدونی، سبک تربیتی محبت همراه با اقتدار از جمله‌ی بهترین شیوه‌های تربیتی است: «مرز بین دو مفهوم دوستی و اقتدار به عنوان والد، مرز مهمی است که باید به آن توجه شود. ما باید باور کنیم که تربیت آموختنی است.»

رژیم رسانه

دکتر **مریم جلالی**، مدیر گروه خانواده و فرهنگ شبکه‌ی دو سیما، نیز در سخنانی به نقش رسانه در خانواده اشاره کرد. وی گفت: «تلویزیون در ابتدای ورودش به خانواده، عنصری بیگانه تلقی می‌شد، اما اکنون به عنصر تبادل تبدیل شده است. کودکی که از تلویزیون و فضای مجازی استفاده می‌کند، درک متفاوتی نسبت به پیرامون خود دارد. واقعیت این است که حتی مغز کودکان امروز با ما متفاوت است. ذهن ما آنالوگ و ذهن آن‌ها دیجیتال است. از این رو باید گفت ما در فضایی قرار گرفته‌ایم که باید انتخاب کنیم؛ در غیر این صورت انتخاب می‌شویم. نحوه‌ی برخورد ما با رسانه تعیین می‌کند که قرار است رسانه چه نقشی در خانواده‌ی ما داشته باشد. در واقع، باید سواد استفاده از آن را داشته باشیم تا بتوانیم استفاده‌ی مدبرانه‌ای کنیم. در این صورت، رسانه فرصت است نه تهدید.»

جلالی در آخر تأکید کرد: «ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که نمی‌توان گفت رسانه بخشی از زندگی ماست، بلکه زندگی ما بخشی از رسانه‌ها شده است. بنابراین، باید به جای مواجهه‌ی منفعل، برخورد فعال با رسانه‌ها داشته باشیم. خانواده و مدرسه باید برای هر عنصر جدیدی که وارد زندگی‌مان می‌شود برنامه‌ریزی داشته باشند و از آن برای افزایش شناخت و توانمندی‌های مخاطب استفاده کنند.»